

بودجه و اقتصاد ایران در چهارراه حوادث

سقوط بیش از ۱۰۰ دلاری قیمت نفت در ماههای پایانی سال ۲۰۰۸ دلیل اوج گیری رکود اقتصاد جهانی و ترکیدن حباب سفته بازی بر روی نفت، در شرایط فراوانی و ارزانی تامین منابع مالی در چند سال اخیر، سیاست بازان و خوش خیالان دولتمرد شده در ممالک صاحب نفت را با مشکلات عظیم تصمیم گیری مواجه کرده است. از یک طرف ۳ برابر شدن قیمت نفت در چهار سال همراه با فشار بر استخراج و صادرات، هرگونه ملاحظه مالی و احتیاط در خرج را در شرایط رواج بازی های سیاسی و انتخاباتی و یا پخش پول عمومی بین خود دولتمردان و یا افراد خانواده را غیر ضروری می ساخت و از طرف دیگر انتظار بازده بیشتر درآمدها، راه افتادن پروژه ها، ورود سرمایه های خارجی و امکان استفاده از اعتبارات خارجی، منتقدان را وادار به سکوت و دنباله روی می کرد.

در میان کشورهای صادرکننده نفت وضع کشور ما از همه بحرانی تر و وابستگی سلامت اقتصادی و تعادل اجتماعی ما به نفت از همه کشورها بیشتر می باشد. اگر ۵ سال قبل با نفت بشکه ای ۳۰ دلار (عملاً ۲۶/۹ دلار) مخارج ارزی و بودجه ای کشور و دولت تامین میشد و مازاد درآمد نیز داشتیم، امروز طبق پیش بینی مراکز اقتصادی بین المللی دولت باید نفت را حداقل بشکه ای ۸۸ دلار بفرشد تا سطح مخارج فعلی ارزی و بودجه ای خود را پوشش دهد با توجه به قیمت های رایج فعلی و پیش بینی تداوم رکود اقتصادی حداقل تا اواسط سال ۲۰۱۰، قیمت نفت بین ۴۰ تا ۴۵ دلار در نوسان خواهد بود و در نتیجه در حدود ۵۰ درصد نیازهای صوری ایجاد شده به ارز در ۳ سال اخیر تامین نخواهد شد. در حالی که اگر طبق برنامه چهارم (بند الف ماده ۱) و بر مبنای نفت بشکه ای ۱۹ دلار رفتار میشد اینک میبایست ۵۵ میلیارد دلار موجودی ارزی ناشی از بالاترین قیمت نفت میداشتیم.

نیاز کشورهای عمده صادرکننده به قیمت نفت در سال آینده با توجه به سطح فعلی مخارج ارزی و بودجه ای آنها در مقایسه با ایران نشان میدهد و روشن میکند که کشور ما حدوداً ۶۰ درصد بیش از سایر کشورهای صادرکننده نفت به قیمت بالای نفت وابسته است.

ادامه وابستگی بودجه عمومی به درآمد نفت در حدود ۷۰-۶۰ درصد سال های ۸۷-۱۳۸۴ بوده است هرچند در سال های اخیر برای نشان دادن کاهش وابستگی، قسمتی از درآمد نفت را به صورت مالیات در بودجه گنجانده اند و مالیات های غیرمستقیم (مالیات بر واردات به صورت حقوق گمرکی) نیز وابسته به درآمد نفت است.

مشکل دوم مدیریت کشور در سال آینده، راضی نگاه داشتن صدها مرکز هزینه و افراد قدرتمند در مراکز بر نفوذی است که در سالهای اخیر از درآمد نفت سهم هزینه داشته اند. ردیف های بودجه و بندهای ذکر شده در زیر ردیف های آشکار و پنهان مخارج، نشان میدهد که دولت مشکل بسیار

کشور ما

حدوداً ۶۰ درصدیش از

سایر کشورهای صادرکننده نفت

به قیمت بالای نفت

وابسته است

بزرگی در نه گفتن به این مراکز و افراد قدرتمند و پرنفوذ خواهد داشت. مشکل سوم آزادگاری واردات و ظهور نیاز ارزی ۷۰-۶۰ میلیارد دلاری در سال برای واردات است که در سالهای اخیر ظاهراً برای کاستن فشارهای تورمی در داخل از سه راه فروش ارز به هر مقدار، برچیدن مقررات حفاظتی و حمایتی از تولیدات داخلی (مثل ثبت سفارشی، اخذ ودیعه ثبت سفارش و...) و کاستن یا حذف تعرفه ها صورت پذیرفته است. افزایش خارق العاده واردات در سالهای اخیر حیرت انگیز است و برای سال آینده پیش بینی واردات حدود ۴۸ میلیارد دلار شده است و این رقم جدا از میزان واردات قاچاق سالانه کالا است.

مشکل چهارم ثابت نگاه داشتن نسبی نرخ ارز علیرغم نرخ تورم ۱۵ تا ۲۵ درصدی داخلی باز هم به خاطر جلوگیری از بالا رفتن بیشتر قیمت های داخلی (ناشی از بالا رفتن هزینه

اگر طبق برنامه چهارم

عمل میشد در پایان سال ۱۳۸۷

می بایست

موجودی حساب ذخیره ارزی به

۱۳۲ میلیارد دلار میرسید

واردات و رواج بیشتر جو تورمی) بوده است. به عبارت دیگر دولت به جای کنترل هزینه های جاری که علت اصلی افزایش ۴۰-۳۰ درصدی نقدینگی و ایجاد فشارهای تورمی در کشور بوده است وظیفه کاستن فشارهای تورمی را به دوش واردات نرخ ارز انداخته است که در نتیجه بخش صنعت و صادرات را

فدا کرده است.

پیش بینی درآمد نفت و گاز طبق برنامه چهارم سال اول ۸۷-۱۳۸۴ برابر ۱۴۳ میلیارد دلار بوده که عملاً دریافتی ها به ۲۷۵ میلیارد دلار رسیده است. به عبارت دیگر اگر طبق برنامه چهارم عمل میشد در پایان سال ۱۳۸۷ می بایست موجودی حساب ذخیره ارزی به ۱۳۲ میلیارد دلار میرسید که حداقل برای ۵ سال و در صورت اعمال انضباط مالی دولت، میشد برای ده سال اقتصاد داخلی را در مقابل نوسانات بین المللی قیمت نفت بیمه کرد.

راه حل مسئله ایرادسختی های آتشین درباره عدم تاثیر بحران اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران نیست که خارج از کشور مایه تبسم مطلعین شده است. راه حل بازنگری تک تک اقلام مخارج ارزی و ریالی در چهار سال اخیر است که از ۲/۳۰۴ هزار میلیارد ریال سال ۱۳۸۳ حداقل به ۷/۸۲۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۷ می رسد (بدون منظور کردن کسر بودجه). در همین چهار سال واردات سالانه حداقل ۲۰ میلیارد دلار بیشتر شده است و حساب موازنه سرمایه پرداخت از ۷۳۸۸ میلیون دلار مثبت (ورود سرمایه ها) در سال ۱۳۸۳ به ۱۲۳۷۵ میلیون دلار منفی (خروج سرمایه) در سال ۱۳۸۶ تبدیل شده است و تنها در ۳ ماهه اول سال جاری این حساب ۴۵۹۵ میلیون دلار منفی بوده است.

اوباما رئیس جمهور آمریکا که در یک نیمروز خزانه داری اش می تواند ده ها میلیارد دلار اوراق قرضه بفرشد ولی در اثر سوء سیاست های دولت قبلی با وضع مشابهی روبرو خواهد بود اولین اولویت خود را بازنگری تک تک اقلام بودجه و هزینه های سال ۲۰۰۹ قرار داده است تا با کمک کنگره از و لخرجی های دولت بوش جلوگیری کند و طرح هزار میلیارد دلاری کمک به اقتصاد را هدفمند و موثرتر اجرا نماید.

در ایران آیا بودجه ریزی بر اساس راضی کردن مراکز نفوذ و قدرت و ملاحظات سیاسی و انتخاباتی (وعده دادن یارانه نقدی، متعهد کردن دولت در سفرهای استانی، ...) به مجلس و دولت اجازه میدهد که واقع بینانه بودجه ریزی کنند و جلوسازی از عدم تعادل ها مخصوصاً تورم بی بندوبار کنونی را بگیرند؟!

دیگر بهانه بالا رفتن قیمت های بین المللی نیز وجود ندارد. و راضی نگاه داشتن عامه مردم از راه حذف عوامل تورم زا (رشد بودجه جاری دولت، آزادی عمل انحصارات، فقدان نظارت و کنترل واقعی هزینه ها و ناکارآمدی سیستم توزیع) بسیار آسان تر و بادوام تر از پخش پولهای موردی است